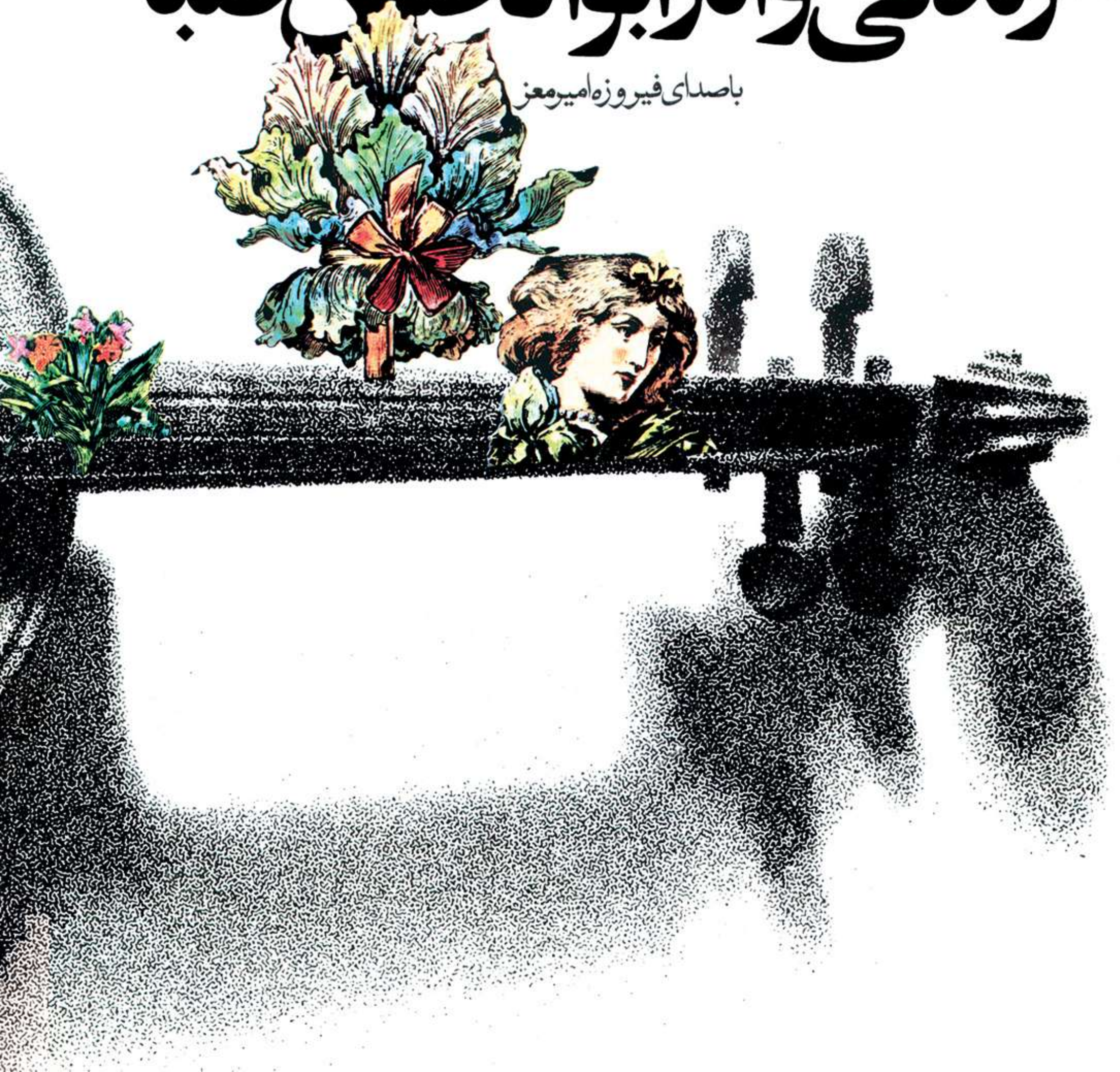




# زندگی و آثار ابوالحسن صبا

باصدای فیروزہ امیر معز





# ابوالحسن صبا

طرح کتاب: فرشیدمثنالی

باصدای

فیروزه امیرمعز



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۱۳۵۲

[www.parand.se](http://www.parand.se)

موسیقی ایران در طول تاریخ، زندگی ناآرامی را گذرانده است. گاهی در اوج و زمانی در حال انحطاط بوده است. اما در هر حال هنرمندانی از این سرزمین برخاسته‌اند که با وجود همه‌ی محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، سنت‌های با ارزش هنر ملی را با قدرت نبوغ خود حفظ کرده‌اند یا در آموختن و پیشرفت آن با تمام وجود و ایمان کوشیده‌اند. ابوالحسن صبا، استاد موسیقی سنتی زمان ما، یکی از این هنرمندان بود. اکنون گوش کنیم ابوالحسن صبا درباره‌ی زندگی و هنر خود چه می‌گوید:

بایستی عرض کنم پدر من علاقه‌ی مفراطی به موسیقی داشت. یعنی خودش هم آشنا به سازهای ایرانی بود و از کودکی، یعنی ۶ سالگی، مرا نزد اساتید موسیقی وقت راهنمایی کرده بود قبل از اینکه شروع به مشق ویلون بکنم به سازهای ایرانی از قبیل سه‌تار، تار و سنتور، ضرب آشنا شدم حتی قدری هم کمانچه زدم. بعداً اطلاعات خودم را به ویلون انتقال دادم و تقریباً یک مکتب مخصوصی برای ویلون ایجاد شد و کتابهایی در این خصوص نوشته و انتشار داده‌ام.

ابوالحسن صبا فرزند ابوالقاسم خان کمال‌السلطنه است که به سال ۱۲۸۱ در خانه‌ی واقع در کوچه‌ی ظهیرالاسلام تهران به دنیا آمد و تا پایان عمر در آن زیست. پدر پدر بزرگ او، محمودخان صبا ملك الشعراء، یکی از شاعران بزرگ دوره‌ی قاجاریه است. در خانواده‌ی بزرگ صبا پاکدلی و عشق به هنر، که لازمه‌ی زندگی هر هنرمندی است، سنتی دیرینه بود. پدرش که پزشکی شوکت‌مند و صاحب‌نام بود، چون در فرزند خردسال خود علاقه‌ی بی‌به هنر موسیقی یافت او را نزد استادان بزرگ این هنر فرستاد. ابوالحسن صبا در خردسالی پنجه بر تارهای شورآفرین «سه‌تار» کشیدن را نخست از پدر و سپس از استاد «میرزا عبدالله» و «درویش‌خان» و سنتور را از استاد «علی‌اکبر شاهی» و ضرب را از «حاجی‌خان ضربی» آموخت. نخستین استاد او در فراگیری زیر و بم نواختن کمانچه «حسین‌خان اسماعیل‌زاده» و در ویلون «حسین‌خان هنگ‌آفرین» بود. اکنون به یکی از نواخته‌های تار «درویش‌خان»، معلم صبا در تار، که با آواز سید حسین طاهرزاده است گوش می‌کنیم:





## آواز سید حسین طاهرزاده با تار درویش خان

صبا از زمان کودکی در نواختن انواع سازهای اصیل ایرانی مهارت داشت اما شکفتگی هنر او را باید از زمان تأسیس مدرسه‌ی عالی موسیقی دانست که در سال ۱۳۰۲ به همت استاد علینقی وزیری در تهران آغاز به کار کرد. تأسیس این مدرسه، میدانی برای عرضه‌ی مهارت و نبوغ او بود. ابوالحسن صبا یکی از نخستین شاگردان و به تصدیق همگان بهترین شاگرد این مکتب بود. او نواختن ویولون به سبک غربی و نظریات موسیقی اروپایی را در این مکتب آموخت.

### ویولون صبا



در آن روزگار ویولون را که سازی غربی و تا حدودی غریب بود، در موسیقی ایرانی به شیوه‌ی کمانچه می‌نواختند. وزیری به این شیوه اعتقادی نداشت و ویولون را سازی اصیل می‌دانست که باید آن را باروش خاص خود در موسیقی ایرانی به کار گرفت. ابوالحسن صبا نخستین شاگرد وزیری بود که اشاره‌ی استاد را با هوشمندی تمام دریافت و با حفظ اصالت نواختن آن، در ایرانی کردن این ساز توفیق یافت. او استاد یگانه‌ی این ساز در موسیقی ایرانی بود. یکی از آثار اولیه و ابتکاری صبا که در این دوره به وجود آمد در صفحه‌ی «ای وطن»

به سال ۱۳۰۶ از صفحات مدرسه‌ی عالی موسیقی ضبط شده است که یکی از نمونه‌های درخشان هنر آهنگسازی و اجرای صباست:

«ای وطن» درمایه‌ی دشتی با آواز روح‌انگیز  
قسمت دوم «زرد ملیجه»

در سال ۱۳۰۶ ابوالحسن صبا مأموریت یافت که مدرسه‌ی عالی موسیقی را، که تا آن زمان تنها در تهران به تعلیم شاگردان می‌پرداخت، در گیلان دایر کند. اقامت صبا در رشت و سایر نواحی گیلان او را متوجه ارزش آهنگهای محلی و امکان استفاده از آنها در موسیقی ایرانی کرد.

توجه و علاقه‌ی صبا به موسیقی محلی به حدی بود که بعدها نیز چندین بار به نقاط دور دست گیلان سفر کرد و مقداری از آهنگهای اصیل آن نواحی را نت‌نویسی کرد. یکی از خصوصیات صبا، که ارزش ممتازی به هنر و زندگی او می‌بخشد، تنوع دانسته‌های او در زمینه‌ی موسیقی است. صبا گذشته از استادی در نواختن و تعلیم ویولون، با سایر سازهای اصیل ایرانی از جمله سه‌تار، سنتور،



تار، کمانچه، فلوت، نی و ضرب آشنایی کامل داشت.

ساز، عشق بزرگ زندگی صبا بود. انواع سازها را عاشقانه می‌نواخت و می‌آموخت، بخصوص در سه‌تار قدرت و پاکی و شفافیت مضراب او کمتر نظیر داشته است. این ساز را در کودکی نزد آقا میرزا عبدالله و بعدها نزد درویش‌خان، که استادان این هنر بودند، آموخت و بعدها تا آخرین روزهای زندگی‌ش نیز از نواختن و آموختن سه‌تار دست نکشید.





## سه‌تار صبا

پنجه‌ی صبانرم و دلنشین بود. ساز ظریفی که مستقیماً با ناخن به نوا درمی‌آید، در نظر صبا سازی عرفانی بود. صبا در یکی از یادداشت‌هایش می‌نویسد:

«سه‌تار که ساخته‌ی اوضاع و احوال گذشته ملت ماست بهترین اسبابی است که نوازنده می‌تواند با آن احساسات درونی خود و خصوصیات عرفانی موسیقی ایرانی را بیان کند. زیرا کلیه‌ی شرایط عرفانی بودن در آن جمع است: نخست نازکی و لطافت صدا که برای تسکین خاطر یکی دوشنونده کافیست سپس نواختن آن با حساسترین عضو بدن، یعنی سر انگشت و نوک ناخن و اتصال به خون و قلب و بعد هم ظرافت و سبکی آن که سنگینی و خستگی برای نوازنده ایجاد نمی‌کند.»

صبا در ساختن انواع سازهای ایرانی نیز مهارت داشت. خطی خوش و زیبا داشت و شعر و شاعران بزرگ را گرامی می‌داشت.



نیمایوشیج و شهریار از دوستان صمیمی صبا بودند. و دردیوان‌های این شاعران یاد صبا در کلمات، زنده و جاریست. یاد صبا را از زبان محمدحسین شهریار بشنویم:

ای صبا با تو چه گفتند که خاموش شدی؟  
چه شرابی به تو دادند که مدهوش شدی؟  
تو که آتشکده‌ی عشق و محبت بودی  
چه بلا رفت که خاکستر خاموش شدی؟  
به چه دستی زدی آن ساز شبانگاهی را  
که خود از رقت آن بیخود و بیهوش شدی؟  
تو به صد نغمه، زبان بودی و دل‌ها همه گوش  
چه شنفتی که زبان بستنی و خود گوش شدی؟  
خلق را گرچه وفا نیست و لیکن گل من  
نه گمان دار که رفتی و فراموش شدی.  
تا ابد خاطر ما خونی و رنگین از تست.  
تو هم آمیخته با خون سیاوش شدی.....



یادداشت‌های صبا، که  
متأسفانه بسیاری از آن-  
ها به چاپ نرسیده است،  
علاوه بر ارزش آنها از  
جنبه‌ی موسیقی و تاریخ  
آن، دارای ارزش ادبی  
نیز هست.  
در یکی از نوشته‌های  
او که يك هفته پیش  
از خاموشیش نوشته  
است می‌گوید:

«عقیده دارم هنرمندی که بدون تظاهر، تمام وجودش برای هنر کار کند، دلش برای هنر بتپد، همه‌ی فکرش فقط متوجه هنرش باشد، هنرمند واقعی است. روی هنر حساب کردن، استفاده کردن، انتظار تشویق و تقدیر داشتن، اینها خصائص کسانی است که به هنرمندی تظاهر می‌کنند و هنرمند واقعی نیستند. زندگی بدون هنر، که من هرگز تصور آن را هم نمی‌توانم بکنم، شاید شبیه یک جور زندان سیاهیست که در آن همه‌گونه حقی را از انسان سلب می‌کنند...»

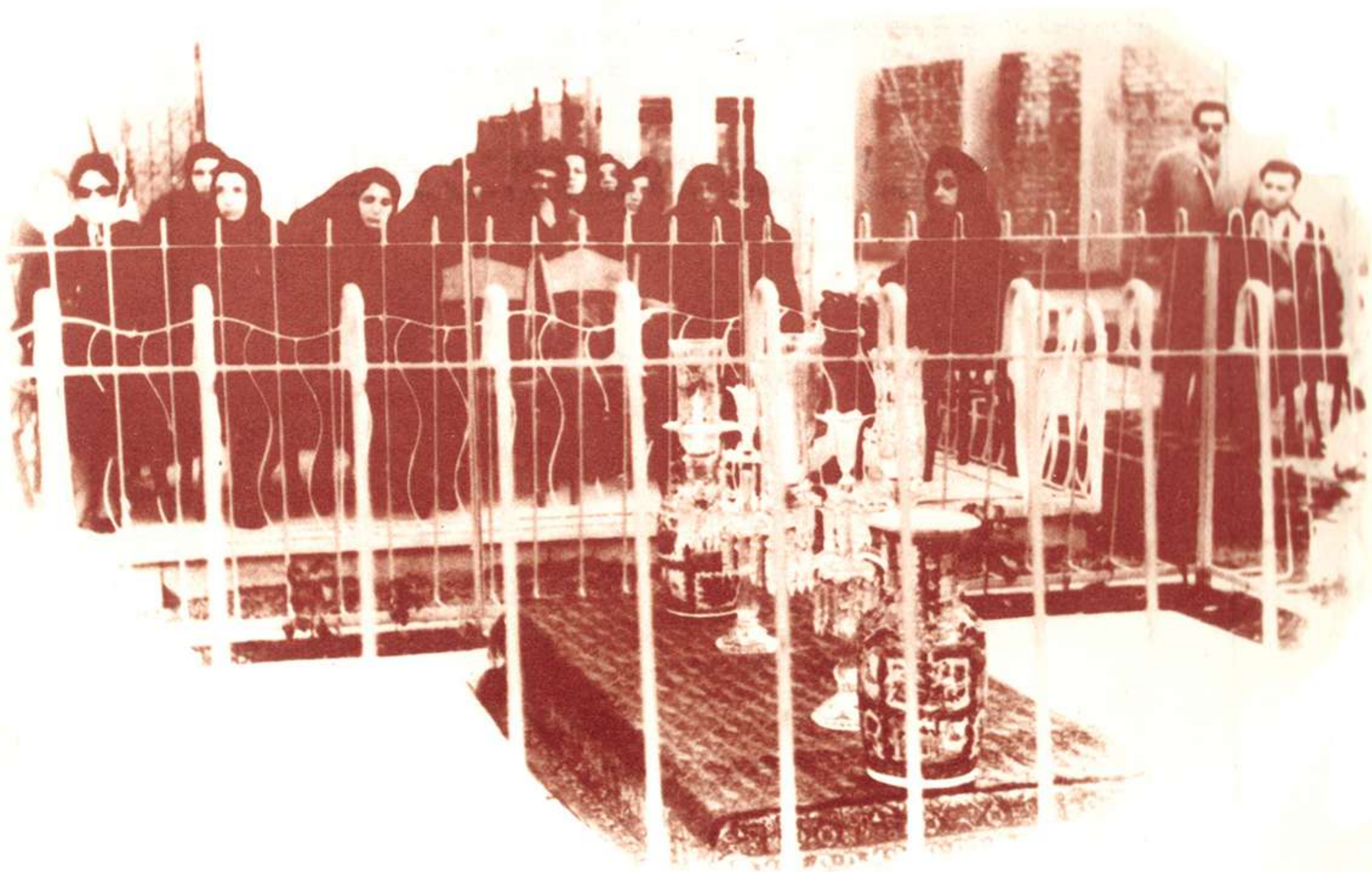
### ویلون صبا با آواز رضاقلی میرزا ظلی

سه دوره برای تعلیم ویولون، چهار دوره در تعلیم سنتور و یک دوره در تعلیم تار و سه تار کتاب‌هاییست که از صبا به صورت مستقل به چاپ رسیده است. گذشته از این در کتاب‌های دیگر نیز آثاری از صبا ضبط است و یادداشت‌های فراوانی نیز در زمینه‌ی موسیقی و هنر از او باقی‌ست. و مهمتر از آن بسیاری از نوازندگان امروز موسیقی اصیل ایرانی هنر خود را مدیون آموزش صبا هستند. صبا در پاسخ پرسشی در این زمینه چنین می‌گوید:

بله - البته این سؤال، نمی‌توانم بطور تحقیق عرض کنم. همین‌قدر از خرید کتاب دوره‌ی اول ویولونم که تقریباً ۳ هزار جلد بوده به نظر میرسد که ۳ هزار نفر نزد اینجانب تحصیل کرده‌اند. ولی باید ناگفته نگذارم که این عده بعضی‌شان به توسط شاگردهای خودم موفق شدند که تحصیل کنند.

و در پاسخ به این پرسش که بهترین شاگرد او کیست با ظرافت می‌گوید:

این قسمت را من نمی‌توانم عرض بکنم. راجع به آن قسمت عرضی نمی‌توانم بکنم. ولی از، البته، خود جامعه تشخیص می‌دهد این قسمت را.



صبا با ۵۵ سال زندگی پر از کوشش خود به موسیقی اصیل ایرانی ارزش علمی داد و بسیاری از ردیف‌های سازهای گوناگون را از خطر نابودی رهانید. در پایان قطعه‌یی را که در دستگاه دشتی با سنتور فرامرز پایور نواخته است خواهیم شنید. از زبان خودش درباره‌ی این قطعه بشنویم که می‌گوید:

عرض کنم که این قطعه را آقای پایور دوست و شاگرد عزیزم برای ویولون و سنتور تنظیم کردند و من خوشبختم که آنرا به اتفاق ایشان بنوازم.

